

المحطة الأولى:

ایستگاه اول:

في رحاب الحسين (عليه السلام) وابنه المظلل بالسحاب

در سایه‌ی لطف و رحمت حسین (علیه السلام) و پسرش که
سحاب، سایه‌افکن او است

لماذا قتل الحسين (عليه السلام) ضماناً مذبوحاً !!

• چرا امام حسین (علیه السلام) تشنه و سر بریده، شهید شد؟

السلام على الحسين، وعلى أهل بيت الحسين، وعلى
عیال الحسين، وعلى أصحاب الحسين، ما بقي منادٍ ينادي
بحاكمية الله في أرضه، والذي لا تخلو منه الأرض لحظة
واحدة.

سلام بر حسین و بر اهل بیت حسین و بر خانواده‌ی حسین و بر اصحاب حسین،
مادام که منادی، بر حاکمیت خدا بر زمینش ندا سر می‌دهد و کسی که زمین لحظه‌ای
از وی (حجت خدا) خالی نخواهد بود.

في ليلة العاشر من محرم الحرام، ذكر السيد أحمد الحسن (عليه السلام) جدّه الشهيد، المقتول عطشاً وذبحاً، والذي لم يغب عن باله يوماً، فقال:

در شب دهم محرم الحرام، سید احمد الحسن (عليه السلام) از جد شهیدش که تشنه و سر بریده شهید شد و ایشان هیچ روزی از یاد او غافل نبود، ذکرى به میان آورد و فرمود:

[أخبرك عن الحسين (عليه السلام) في هذه الليلة خيراً لك.

«امشب درباره‌ی امام حسین (عليه السلام) خبری به شما می‌دهم که برایت خیر است.»

انظر إلى هاجر عندما وضعت إسماعيل ابنها على الأرض بعد أن وجدت نفسها غير قادرة على تحمل أن يموت بين يديها عطشاً، وأخذت تسعى بين الصفا والمروة.

به هاجر نگاه کن؛ هنگامی که پسرش اسماعیل را بر زمین نهاد در حالی که خود را چنین یافت که قادر به تحمل مرگ پسرش بر اثر تشنگی نیست، به سعی کردن بین صفا و مروه روی آورد

هل تصرفها هذا تصرف أم هائجة ولا تكاد تعقل كما يقولون ؟

آیا چنین عملی، آن طور که آنها می‌گویند، رفتار یک مادر دیوانه‌ی شوریده‌ای است که خردش را از کف داده است؟!

أم أن تصرفها هذا هو سبب نبع الماء عند إسماعيل ؟

یا همین رفتار او باعث شد برای اسماعیل آب (از زمین) بجوشد و بالا بیاید؟

وإذا كان سعيها بين الصفا والمروة السبب في نبع الماء،
فلماذا يكون سعيها بين جبلين سبباً في أن ينبع الماء بقدرة
الله وينجو ولدها ؟

اگر سعی هاجر بین صفا و مروه عامل جوشیدن آب شد، پس چرا باید عملی مانند
دویدن او بین دو کوه سببی برای جوشیدن آب به قدرت خداوند باشد و فرزندش را
نجات بخشد؟!

الحقیقة، إِنَّ الْجَبَلَيْنِ كَمَا بَيَّنَّتْ سَابِقاً (1) يُمَثِّلَانِ فَاطِمَةَ
وَعَلِيّاً عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَالسَّعْيُ بَيْنَهُمَا يَعْنِي التَّوَسُّلَ بِهِمَا
وَبذَرِيَّتَهُمَا أَوْ النَّاتِجَ مِنْهُمَا.

در واقع همان طور که قبلاً بیان داشته‌ام^۲، این دو کوه نماد فاطمه و علی (علیهما
السلام) می‌باشند و سعی بین این دو نیز به معنی توسل به فاطمه و علی (علیهما السلام)
و به ذریه یا نسل آنها است.

فَكَانَ سَعْيُهَا سَبَباً أَنْ تَفْضَلَ عَلَيْهَا اللَّهُ، وَكَانَ أَنْ فُدِيَ
إِسْمَاعِيلَ بِالْحَسَنِ (عليه السلام).

همین سعی هاجر باعث شد که خداوند بر او تفضل نماید، و (به این ترتیب) حسین
(علیه السلام) فدایی اسماعیل گردید.

انظر هذا هو الفداء الأول: الفداء من العطش. كان
سيموت إسماعيل (عليه السلام) عطشاً، ففدي بالحسين (عليه
السلام) ابن علي وفاطمة عليهما السلام، أو الصفا والمروة،
الذين سعت بينهما وتوسلت بهما هاجر.

بین! این بلاگردانی اول است: قربانی برای عطش. اسماعیل (علیه السلام) باید از

1. المتشابهات: ج 4 سؤال رقم 156، للسيد أحمد الحسن (عليه السلام).

۲ - متشابهات: جلد 4 سؤال 156 ، سيد احمد الحسن (عليه السلام).

تشنگی جان می‌داد، ولی حسین (علیه السلام) پسر علی و فاطمه (علیهما السلام)، یا همان صفا و مروه‌ای که هاجر بین آن دو سعی نمود و به آنها توسل جست، بلاگردان او شد.

الفداء الثاني: الفداء من الذبح وأنت تعرفه، وأيضاً فدي إسماعيل بالحسين (عليه السلام). وذكره الله في القرآن فقال: ﴿وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ (الصفات: ١٠٧).

قربانی دوم: فدیة از ذبح شدن است که شما آن را می‌دانی. امام حسین (علیه السلام) بلاگردان اسماعیل گشت، و خداوند در قرآن از آن یاد کرده است: «(و او را به قربانی‌ای بزرگ باز خریدیم)» (صفات: ١٠٧).

فداه من العطش ومن الذبح، ولهذا مات الحسين (عليه السلام) عطشاناً مذبوحاً.

حسین (علیه السلام) بلاگردان او از تشنگی و از ذبح شدن شد و به همین دلیل امام حسین (علیه السلام) تشنه و سربریده جان داد.

لا يوجد شيء عبثي في دين الله، أو في حياة الأنبياء (عليهم السلام) كما يصور من يجهل الحقيقة أن هاجر سعت بين الصفا والمروة لذهولها بسبب عطش ابنها وأنه شارف على الموت دون أن يكون لهذا السعي أي معنى!!

در دین خدا یا در زندگی پیامبران (علیهم السلام) هیچ چیز بیهوده و بی‌حکمتی وجود ندارد؛ بر خلاف تصور کسانی که از درک واقعیت برکنارند و چنین گمان می‌کنند که هاجر به دلیل تشنگی پسرش و این که چون اسماعیل در شرف مرگ بود، گیج و منگ شد و لذا این سعی (دویدن) وی هیچ معنی و مفهومی در بر نداشته است!!

لهذا فمن يذهب للحج وهو لا يفهم الحقائق وما يفعل،
يصف الله حجه أنه مكاء وتصدية تماماً كالتصفيق
والصفير، ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءٌ وَتَصْدِيَةٌ
فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ (الأنفال: ٣٥).

به همین دلیل کسی که به حج می‌رود در حالی که از حقایق آگاه نیست و نمی‌داند
چه می‌کند، خداوند حج او را به صفیر کشیدن و دست زدن توصیف فرموده است: «(و)
دعایشان نزد خانه‌ی کعبه جز صفیر کشیدن و دست زدن هیچ نبود،
پس به پاداش انکارتان عذاب را بچشید» (انفال: ٣٥).

إِنَّ الْعَمَلَ الَّذِي تَعْمَلُهُ وَأَنْتَ لَا تَفْهَمُ مَعْنَاهُ وَلَا تَعْرِفُ مِنْهُ
شَيْئاً لَا يَكُونُ لَهُ قِيَمَةٌ.

کاری که انجام بدهی ولی معنایش را ندانی و چیزی از آن نفهمی، هیچ ارزشی
ندارد.

﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلاً﴾ (الفرقان: ٤٤).

«(یا گمان کرده‌ای که بیشترشان می‌شنوند و می‌فهمند؟ اینان چون
چهارپایانی بیش نیستند، بلکه از چهارپایان هم گمراه‌ترند)» (فرقان: ٤٤).

بربك ما فرق أن تركض بهيمة بين جبلين وأن يركض من
لا يفقه شيئاً بين الصفا والمروة ؟

تو را به خدایت سوگند، چه فرقی میان چهارپایی که بین دو کوه می‌دود با کسی
که ندانسته بین صفا و مروه سعی می‌کند، وجود دارد؟!

الأمر ليس أن يهرول أو يركض أو يسعى إنسان بين
جبلين، بل لابد أن يفهم ماذا يفعل، ولماذا يفعل ؟

موضوع این نیست که انسان بین دو کوه هروله کند یا بدود یا سعی کند، بلکه آدمی باید بداند چه می‌کند و چرا انجام می‌دهد!

الذهاب للكعبة، والسعي بين الصفا والمروة، ... الخ من أفعال الحج، كلها متعلقة بعلي وبالحسين وبآل محمد (عليهم السلام) .

رفتن به سوی کعبه، سعی بین صفا و مروه و ... و دیگر اعمال حج، همگی اعمالی است که به امام علی و امام حسین و آل محمد (علیهم السلام) تعلق دارد».

هل يُعاد ما جرى على الحسين (عليه السلام):

• آیا آنچه بر امام حسین (علیه السلام) جاری شد، دوباره تکرار می‌گردد؟

موضوع طالما شغل بالي، وأرقني، هو السؤال ١٤١ من كتاب المتشابهات، وهذا نص السؤال وجواب السيد أحمد الحسن (عليه السلام) عليه:

مدتها است که موضوعی ذهن مرا به خود مشغول کرده که مربوط به سؤال ١٤١ مندرج در کتاب متشابهات است. متن سؤال و پاسخ سید احمد الحسن (علیه السلام) به آن به این شرح است:

[سؤال: ما معنى قوله تعالى: ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ (3) ؟

سؤال:

این سخن خدای متعال به چه معنی است: «پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب» (الرحمن: ۱۷).

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

**والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد
الأئمة والمهديين**

پاسخ:

**بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و
المهديين**

**هما الحمرة المشرقية، والحمرة المغربية. تشير الحمرة
المشرقية إلى دم علي (عليه السلام)، والحمرة المغربية إلى دم
الحسين (عليه السلام)، هذا في الأئمة (عليهم السلام).**

منظور از این دو، حمه‌ی (سرخ‌ی) مشرقی و حمه‌ی مغربی است. حمه‌ی مشرقی به خون حضرت علی (عليه السلام) اشاره دارد و حمه‌ی مغربی به خون امام حسین (عليه السلام)؛ این در خصوص ائمه (عليهم السلام) است.

أما في المهديين فتشير الحمرة المشرقية إلى دم أحد المهديين نظير علي (عليه السلام)، والحمرة المغربية تشير إلى دم أحد المهديين (عليهم السلام) أيضاً نظير الحسين (عليه السلام) (4).

اما در مورد مهديين، حمرة مشرقی به خون یکی از مهديين که نظير حضرت علی (عليه السلام) است اشاره دارد و حمرة مغربی نیز به خون یکی از مهديين (عليهم السلام) که نظير امام حسين (عليه السلام) است دلالت می نماید»^۵.

كنت أتساءل عن المهدي الذي يجري عليه ما جرى على جدّه الحسين (عليه السلام) ؟ وأنه أيّ مهدي يكون، من بين المهديين الاثني عشر (عليهم السلام) ؟ وكيف يحصل ذلك، وهل أن بعض من يشاركون في قتله هم ممن كانوا قد آمنوا ونصروا أباه (أي المهدي الذي سبقه) !

درباره‌ی آن مهدی‌ای که آنچه بر جدش حسین (عليه السلام) رفت بر او نیز خواهد رفت، سؤال کردم، و پرسیدم که وی از بین دوازده مهدی (عليهم السلام) کدام مهدی است؟ چگونه این واقعه بر او حادث می‌گردد؟ و آیا برخی از کسانی که در قتل او شرکت می‌جویند، جزو کسانی هستند که به پدرش (یعنی مهدی قبل از او) ایمان آورده و یاری‌اش نموده‌اند؟

فقال (عليه السلام) مجيباً:

[وفقك الله، هي رسالة كرسالة محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) وفيها ما فيها، فيها أيضاً أبو بكر وعمر، وفيها أبو ذر وعمار

4. عن أبي بصير، قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قول الله: "رب المشرقين ورب المغربين"، قال: (المشرقين رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وأمير المؤمنين (عليه السلام) والمغربين الحسن والحسين، وفي أمثالهما تجري) تفسير القمي: ج 2 ص 344.

۵ ابوبصير می‌گوید: از ابا عبد الله امام جعفر صادق - (عليه السلام). سؤال کردم « درباره‌ی فرمایش خداوند «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ»: فرمود منظور از مشرقین، رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و امير المؤمنين ع و منظور از مغربین، حسن و حسين (عليهما السلام) می‌باشد و در امثال آنها نیز جریان دارد تفسیر قمی: ج 2 ص 344. »

وسلمان ... إلخ، فيها كميل وميثم، وفيها زياد ابن أبيه، فيها وفيها ... رسالة وفقك الله كل رسالة.

ایشان (علیه السلام) در پاسخ فرمود:

«خداوند شما را توفیق دهد! این رسالتی شبیه رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه

وآله وسلّم) است و آنچه در آن بوده است، در این رسالت نیز می‌باشد. در آن ابوبکر و عمر نیز هست؛ ابوذر و عمار و سلمان و نظایر آن نیز هست. در آن هم کamil و ميثم است و هم زياد بن ابیه، و ... و ... رسالتی است همچون تمام دیگر رسالت‌ها، خداوند شما را توفیق دهد!

اقرأ القرآن وأنت تعرف ما يجري اليوم وغداً.

قرآن بخوان تا بدانی امروز و فردا چه می‌شود.

اقرأ قصص الأنبياء والأئمة وأنت تعرف ما يجري اليوم وغداً.

داستان پیامبران و ائمه را بخوان تا دریابی امروز و فردا چه حادث می‌گردد.

ألم تقرأ قوله تعالى: ﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعاً مِّنَ الرُّسُلِ﴾

(الأحقاف: ۹).

آیا این سخن خدای متعال را نخوانده‌ای که فرمود: «(بگو: من از میان دیگر

پیامبران، بدعتی تازه نیستم)» (احقاف: ۹).

قصة الرسل تكاد تكون واحدة ومتراصة.

داستان فرستادگان، تقریباً یک‌پارچه و مرتبط با یکدیگر است.

نعم، هناك اختلافات في أن هذا الأمر يمضي هنا ولا يمضي هناك، ولكن لا يعني أنه لا يحدث... [

آری، برخی تفاوت‌ها در این که فلان رخداد اینجا حادث می‌گردد و آنجا رخ نمی‌دهد وجود دارد ولی این به آن معنا نیست که آن رخداد اصلاً اتفاق نمی‌افتد...».

فأطبق الصمت عليّ عند سماعي ذلك، وسألت الله حسن العاقبة.

هنگامی که اینها را شنیدم، سکوت بر من چیره گشت و از خدا حسن عاقبت را مسئلت نمودم.

كان هذا في ليلة العاشر من محرم الحرام أيضاً.

همچنین این گفت و گو در شب دهم محرم الحرام صورت گرفت.

* * *

* * *

ولأنّ مسلم بن عقيل (عليه السلام) ومضة من الحسين (عليه السلام)، ولمنزلته الكبيرة في قلب السيد أحمد الحسن (عليه السلام)، عطفت ذكره على ذكر الحسين (عليه السلام).

از آنجا که مسلم بن عقیل (علیه السلام) پرتویی از امام حسین (علیه السلام) است و ایشان جایگاه رفیعی در قلب سید احمد الحسن (علیه السلام) دارد، پس از یاد امام حسین (علیه السلام) ذکری از او به میان می‌آورم.

مسلم بن عقيل (عليه السلام) المقتول الوحيد المقهور:

مسلم بن عقيل (عليه السلام) کشته شده ی غریب و شکست خورده

عزى السيد أحمد الحسن (عليه السلام) بعض أنصاره في
يوم شهادة مسلم (عليه السلام)، فقال:

سید احمد الحسن (عليه السلام) در روز شهادت مسلم (عليه السلام) برخی انصارش را
تسلیت گفت و فرمود:

[عظم الله أجوركم بشهادة مسلم بن عقيل.

«خداوند اجر شما را در شهادت مسلم بن عقيل عظيم گرداند!»

مسلم بن عقيل، لا يجد أنصار يثبتون معه على الحق
في الكوفة التي تدعي مشايعة علي (عليه السلام)، الحمد لله
إننا اليوم وجدنا من ينصر الحق ويثبت عليه.]

مسلم بن عقيل در کوفه، انصار و یآوری که با او بر حق ثابت قدم بمانند نیافت؛
همان کوفه‌ای که ادعای شیعه بودن علی (عليه السلام) را دارد. الحمد لله ما امروز
کسانی را که حق را یاری کنند و بر آن استوار باشند، یافته‌ایم.»

ثم إنه تناهى لسمعه (عليه السلام) أن أحد المعممين كان قد
تعرض للدعوة الحقّة، فقال وصدرة مليئاً بالحنن:

سپس وقتی به گوش سید احمد الحسن (عليه السلام) رسید که یکی از عمومه به
سرها، به دعوت حق تاخته و آن را آماج حملات خود قرار داده است، در حالی که
سینه‌شان مالا مال از غم و اندوه بود فرمود:

**[يا للأسف، إن أكثر الناس لا زالوا مخدوعين بهؤلاء
الجهلة ودينهم المبني على وجوب تقليد غير المعصوم الذي
بنوه على أوهام وبلا دليل، بل فقط جهالات وتخبط عشواء،
وقد بينها لهم بكل وضوح، ولو كان عندهم أي دين لراجعوا
أنفسهم وارتدعوا عما هم عليه من ضلال.]**

«چه قدر جای تاسف است! بیشتر مردم کماکان فریب این افراد نادان و نیز دین آنها
مبتنی بر وجوب تقلید از غیرمعصوم را خورده‌اند؛ دینی که بر اساس اوهام و خیالات
بنا نهاده‌اند و هیچ دلیل و مدرکی بر آن ندارند بلکه فقط جاهلان و کورکورانه به
بی‌راهه رفته‌اند در حالی که ما این موضوع را پیشتر به طور کاملاً آشکاری برایشان
تبیین کرده‌ایم. اگر اینها ذره‌ای دین داشتند، به خویشتن خویش مراجعه می‌کردند و از
ضلالتی که در آن قرار دارند، دست برمی‌داشتند.»

**اليوم قرأت رداً لأحد هؤلاء الذين لا يكادون يفقهون قولاً،
ووالله لو سلمت بيده معزتين لخفت أن يضيّعهما، فكيف
يقبل منه الناس وكيف يتبعونه، انظر ماذا يقول.]**

امروز پاسخ یکی از این افرادی را که گویی هیچ سخنی نمی‌فهمند ۶ خواندم. به
خدا سوگند اگر دو بز به دست او بدهم می‌ترسم آنها را گم و گور کند؛ حال چگونه
است که مردم سخن او را می‌پذیرند و از او پیروی می‌کنند؟! بین او چه می‌گوید!«.

**وفعلاً قرأت ما زودني به فرأيت أسطراً جوفاء، كانت
مخصصة لشتيم اليماني فقط، وما سواه كان حشواً فارغاً،
اللهم إلا تخذيل الناس وبأئى صورة كانت عن نصره
اليماني. والرجل المقصود ليس من العلماء المعروفين، إنما
ورث المنصب من أخيه بعد وفاته، أو بالأحرى ورث منه ما
بنى به موقعيته.**

آنچه را که ایشان به من داد خواندم و آن را پوچ و بی‌معنی یافتم که فقط به بد و
بی‌راه گویی به یمانی اختصاص یافته بود و غیر از آن نیز، حرف‌هایی بی‌پایه و اساس
بود. به خدا سوگند هدف او صرفاً این بوده است که به هر صورت ممکن، مردم را به

ترک نصرت یمانی وادارد. فرد مورد نظر از علمای شناخته شده نیست بلکه وی مسئولیت و موقعیتش را پس از فوت بردارش، از او به ارث برده است یا بهتر آن است که بگوییم آنچه موقعیت او بنا نموده را به ارث برده است.

نعود للسید أحمد الحسن لنستمع منه ما یرید قوله بحق مسلم بن عقیل (علیه السلام):

نزد سید احمد الحسن بازمی‌گردیم تا سخن ایشان در حق مسلم بن عقیل (علیه السلام) را بشنویم:

**[مسلم بن عقیل لا یجد من ینصره فی الکوفة، وأمثال
هذا الذین لا یکادون ینصرون قولاً یریدون من ینصرهم
ویتبعهم !!]**

«مسلم بن عقیل در کوفه کسی را نیافت که او را یاری کند در حالی که امثال این افرادی که گویی هیچ سخنی را نمی‌فهمند، کسانی را می‌یابند که آنها را یاری و از آنها پیروی کنند!!»

**سلام الله علیک یا مسلم. والله، منذ کنتُ صغیراً کانت
مصیبتہ تؤلمنی کثیراً، کنت أقول مع نفسي: الحسین وجد
من ینصره ویواسیه ولكن مسلماً قتلوه وحیداً مخذولاً
مقهوراً، مع هذا بکی فی آخر لحظة من حیاته؛ لأنه خاف أن
یجری علی الحسین (علیه السلام) ما جری علیه، فلا یجد أحداً
ینصره ویقتل وحیداً. لم یهتم مسلم بما کان یجری علیه،
رغم عظم مصیبتہ، سلام الله علیه.]**

سلام خدا بر تو باد ای مسلم! به خدا سوگند از وقتی که کودک بودم، مصیبت مسلم قلب مرا بسیار به درد می‌آورد. با خودم می‌گفتم: حسین کسی را داشت که او را نصرت دهد و یاری نماید ولی مسلم را یکه و غریب، بی‌یار و یاور و شکست خورده کشتند. با این حال او در آخرین لحظه‌ی زندگی‌اش گریست چرا که بیم داشت آنچه بر سر او آمده بود بر سر امام حسین (علیه السلام) نیز بیاید و هیچ کس که او را یاری کند، نیابد و حضرت تک و تنها کشته شود. مسلم به آنچه بر سر خودش رفته بود

اهمیت نمی‌داد هر چند مصیبتش عظیم بود. سلام خدا بر او باد!».

* * *

ظهور آیه جلیه فی السماء:

ظهور نشانه‌ای روشن در آسمان

قال تعالی: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (7).

خدای تعالی می‌فرماید: «(به زودی آیات قدرت خود را در آفاق و در وجود خودشان به آنها نشان خواهیم داد تا برایشان آشکار شود که او حق است. آیا این که پروردگارت بر هر چیزی شاهد است، کافی نیست؟)»^۸

قال الإمام الصادق (عليه السلام): (فأَيُّ آية في الآفاق غيرنا أراها الله أهل الآفاق .. فأَيُّ آية أكبر منا) (9).

امام صادق (عليه السلام) می‌فرماید: «خداوند غیر از ما، چه آیه و نشانه‌ای را به اهل آفاق نشان داده است؟ پس کدامین نشانه برتر از ما

7. فصلت: 53.

۸ - فصلت: 53

9. کامل الزیارات: ص 543.

ولا شك أن لآية الكريمة ارتباط بالقائم (عليه السلام):

بدون شك این آیهی کریمه، با حضرت قائم (علیه السلام) ارتباط دارد.

عن أبي بصير، قال: (سئل أبو جعفر الباقر (عليه السلام) عن تفسير قول الله عز وجل: "سنريهم آياتنا في الآفاق وفي أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق"، فقال: يريهم في أنفسهم وفي الآفاق، وقوله: "حتى يتبين لهم أنه الحق" يعني بذلك خروج القائم هو الحق من الله عز وجل يراه هذا الخلق لأبد منه) (11).

ابوبصیر می گوید: تفسیر این سخن خدای متعال که می فرماید «سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفسهم حتی یتبین لهم أنه الحق» از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد. حضرت فرمود: در خودشان و در آفاق به آنها نشان داده می شود، و مقصود از این سخن خدا که «حتى يتبين لهم أنه الحق» خروج قائم است؛ همان حقی از سوی خدای عزوجل که به این خلق می نمایاند و از آن چاره ای نیست.^{۱۲}

وفي هذا الصدد، قرأت توقيعاً للإمام المهدي (عليه السلام) كان قد بعث به إلى الشيخ المفيد (رحمه الله) يذكر فيه آيات تحصل في السماء ومثلها في الأرض بحلول شهر جمادي الأول عند اقتراب الظهور، ولكنني لم أكن أعرف هل يقصد به زمننا هذا أم زمن الشيخ المفيد، على أنه (عليه السلام) يذكر فيه

۱۰ - كامل الزيارات: ص 543.

11. الغيبة للنعماني: ص 277.

۱۲ - غيبت نعمانی: ص 277.

ظهوره بغتة وفجأة بعد الأحداث. وهذا نص التوقيع المشار إليه:

در همین راستا، توقیعی از حضرت مهدی (علیه السلام) که برای شیخ مفید رحمت الله فرستاده بود را خواندم که حضرت در آن، نشانه‌هایی که با حلول ماه جمادی الاول به هنگام نزدیک شدن ظهور، در آسمان و همانند آن در زمین حاصل می‌شود را بیان نموده است. لیکن من نمی‌دانستم که آیا مقصود حضرت، این زمان ما است یا زمان شیخ مفید؛ چرا که حضرت (علیه السلام) در آن توقیع ذکر فرموده بود که بعد از حوادث، ظهورش ناگهانی و به یک‌باره خواهد بود. این متن توقیع مورد اشاره است:

(ذكر كتاب ورد من الناحية المقدسة - حرسها الله ورعاها - في أيام بقيت من صفر، سنة عشر وأربعمائة على الشيخ المفيد أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان قدس الله روحه ونور ضريحه، ذكر موصله أنه يحمله من ناحية متصلة بالحجاز، نسخته:

مکتوبی در اواخر ماه صفر سال چهارصد و ده از ناحیه‌ی مقدسه به شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان (قدس الله روحه و نور ضريحه) رسید. رساننده‌ی آن مکتوب گفته است که آن را از منطقه‌ای متصل به حجاز آورده است. از آن نسخه برداشتم:

لأخ السديد، والولي الرشيد، الشيخ المفيد، أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان أدام الله إعرازه، من مستودع العهد المأخوذ على العباد.

این نامه‌ای است به برادر باایمان و دوست رشید، شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (خداوند عزتش را مستدام دارد) که از جمله پیمان‌هایی است که به ودیعه نهاده شده و از بندگان خدا اخذ گردیده است.

بسم الله الرحمن الرحيم: أما بعد: سلام عليك أيها الولي المخلص في الدين، المخصوص فينا باليقين فإننا نحمد إليك الله الذي لا إله إلا هو، ونسأله الصلاة على سيدنا ومولانا

ونبينا محمد وآله الطاهرين، ونعلمك - أدام الله توفيقك
لنصرة الحق، وأجزل مثوبتك على نطقك عنا بالصدق - : أنه
قد أذن لنا في تشريفك بالمكاتبة، وتكليفك ما تؤديه عنا إلى
موالينا قبلك، أعزهم الله بطاعته، وكفاهم المهم برعايته لهم
وحراسته، فقف أيديك الله بعونه على أعدائه المارقين من دينه
على ما أذكره، وأعمل في تأديته إلى من تسكن إليه بما
نرسمه إن شاء الله.

بسم الله الرحمن الرحيم. اما بعد: سلام بر تو ای دوست مخلص در دین،
که در اعتقاد به ما با یقین، امتیاز داری. ما شکر وجود تو را به پیشگاه
خداوندی که جز او خدایی نیست می‌بریم و از او مسئلت می‌نماییم که
رحمت خود را بر آقا و مولا و پیغمبر ما محمد و اولاد طاهرين او فرو فرستد،
و به تو - که پروردگار توفیقت را برای یاری حق مستدام بدارد و پاداش تو را
با سخنانی که با صداقت از جانب ما می‌گویی - افزون گرداند. اعلام می‌دارم
که: به ما اجازه داده شده که تو را به شرافت مکاتبه مفتخر سازیم و موظف
بداریم که آنچه به تو می‌نویسیم به دوستان ما که نزد تو هستند برسانی.
خداوند ایشان را به طاعت خود عزیز بدارد و با حفظ و عنایات خود مشکلات
آنان را برطرف فرماید. بر آنچه که ذکر می‌کنم درنگ کن - خداوند تو را به
امداد خود بر دشمنانش که از دین او بیرون رفته‌اند، پیروز گرداند - و در
رسانیدن آن به کسانی که بدیشان اطمینان داری به طرزی که ان شاء الله
می‌نویسم عمل کن.

نحن وإن كنا ناوين (13) بمكاننا النائي عن مساكن
الظالمين، حسب الذي أرانا الله تعالى لنا من الصلاح
ولشيعتنا المؤمنين في ذلك ما دامت دولة الدنيا للفاسقين،
فإننا نحيط علما بأنبائكم، ولا يعزب عنا شيء من أخباركم،
ومعرفتنا بالذل الذي أصابكم مذ جنح كثير منكم إلى ما كان
السلف الصالح عنه شاسعاً، ونبذوا العهد المأخوذ وراء
ظهورهم كأنهم لا يعلمون. أنا غير مهملين لمراعاتكم، ولا
ناسين لذكركم، ولو لا ذلك لنزل بكم اللاواء أو اصطلمكم

الأعداء فاتقوا الله جل جلاله وظاهرونا على انتياشكم من
فتنة قد أنافت عليكم يهلك فيها من حم أجله ويحمى عنها
من أدرك أمله، وهي أمانة لأزوف حركتنا ومباثتكم بأمرنا
ونهيها، والله متم نوره ولو كره المشركون.

هر چند ما در جایی منزل کرده‌ایم که از محل سکونت ستمگران دور است
و این هم به علتی است که خداوند صلاح ما و شیعیان با ایمان ما را تا
زمانی که دولت دنیا از آن فاسقان می‌باشد در این دیده است، ولی در عین
حال از اخبار و اوضاع شما کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده
نمی‌ماند. ما از لغزش‌هایی که از برخی شیعیان سر می‌زند آگاهیم؛ از وقتی که
بسیاری از آنان میل به بعضی از کارهای ناشایسته‌ای نموده‌اند که نیکان
گذشته از آن احتراز می‌نمودند و پیمانی که از آنان گرفته شده را پشت سر
انداخته‌اند گویی از آن بی‌اطلاع‌اند. ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم
و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود از هر سو گرفتاری‌ها به
شما رو می‌آورد و دشمنان‌تان، شما را از میان برمی‌داشتند. از خداوند جل
جلاله، پروا و از ما پشتیبانی کنید تا شما را از فتنه‌ای که به سوی‌تان روی
آورده است و شما اینک در لبه‌ی پرتگاه آن قرار گرفته‌اید نجات بخشیم؛
فتنه‌ای که هر کس اجلس فرا رسیده باشد، در آن نابود می‌گردد و آن کس
که به آرزوی خویش رسیده باشد از آن دور می‌ماند. آن فتنه، نشانه‌ی
نزدیک شدن جنبش ما است و فاش نمودن خبر آن به امر و نهی ما، به
وسیله‌ی شما است. خداوند نور خود را کامل می‌گرداند هر چند مشرکان
خوش نداشته باشند.

اعتصموا بالتقية من شب نار الجاهلية، يحششها عصب
أموية، يهول بها فرقة مهدية، أنا زعيم بنجاة من لم يرم فيها
المواطن، وسلك في الطعن منها السبل المرضية، إذا حل
جمادى الأولى من سنتكم هذه فاعتبروا بما يحدث فيه،
واستيقظوا من رقدتكم لما يكون في الذي يليه. ستظهر لكم
من السماء آية جلية، ومن الأرض مثلها بالسوية، ويحدث
في أرض المشرق ما يحزن ويقلق، ويغلب من بعد على
العراق طوائف عن الإسلام مراق، تضيق بسوء فعالهم على
أهله الأرزاق، ثم تنفرج الغمة من بعد ببوار طاغوت من
الأشرار، ثم يستر بهلاكه المتقون الأخيار، ويتفق لمريدي

الحج من الآفاق ما يؤملونه منه على توفير عليه منهم
واتفاق، ولنا في تيسير حجهم على الاختيار منهم والوفاق
شأن يظهر على نظام واتساق. فليعمل كل امرئ منكم بما
يقرب به من بمحبتنا، ويتجنب ما يدنيه من كراهتنا
وسخطنا، فإن أمرنا بغتة فجاءة حين لا تنفعه توبة ولا
ينجيه من عقابنا ندم على حوبة. والله يلهمكم الرشده،
ويلطف لكم في التوفيق برحمته) (14).

از برافروختن و شعله‌ور ساختن آتش پرشراره‌ی جاهلیت که گروه‌های
اموی مسلک آن را برافروخته و گروه هدایت یافتگان را به وسیله‌ی آن
می‌ترسانند، به تقیه پناه ببرید و به آن چنگ زنید. من نجات آن کسی را
تضمین می‌کنم که در آن فتنه برای خود، موقعیت و جایگاهی نجوید و در
انتقاد و عیب‌جویی از آن به راهی خداپسندانه گام سپارد. از رویدادی که به
هنگامه‌ی فرا رسیدن جمادی الاولی امسال روی خواهد داد عبرت آموزید و
از خواب گرانی که شما را ربوده است، برای رخداد سهمگین پس از آن بیدار
شوید. به زودی نشانه‌ای روشن از آسمان برای شما پدیدار و نظیر آن در
زمین نیز ظاهر می‌گردد. در شرق عالم، رویدادهای اندوه‌بار و دلهره‌آور رخ
خواهد داد و آن گاه گروه‌هایی که از اسلام بیرون رفته‌اند، بر عراق سلطه
خواهند یافت. بر اثر اعمال ناپسند آنها، مردم دچار تنگی معیشت می‌شوند و
پس از مدتی بر اثر نابودی استبدادگری اشرار، این رنج و زحمت برطرف
خواهد شد و آن گاه پرهیزگاران شایسته‌کار، از نابودی او شادمان خواهند شد
و مردمی که از اطراف عالم به زیارت خانه‌ی خدا می‌روند، هر چه بخواهند
در دسترس آنها قرار خواهد گرفت و ما در آسان ساختن سفر حج آنان
مطابق دلخواهشان نقش و موقعیت ویژه‌ای خواهیم داشت که در پرتو نظم
و تدبیر و انسجام، آشکار می‌گردد. از این رو، هر یک از کارهایی که باید به کارهایی
بپرازد که او را به دوستی ما نزدیک سازد و از کارهایی که ناخوشایند و
موجب خشم و ناراحتی ما می‌گردد، به شدت اجتناب ورزد؛ چرا که فرمان ما
به طور ناگهانی فرامی‌رسد، در شرایطی که بازگشت و توبه سودی نبخشد و
پشیمانی از گناه و زشت‌کاری، او را از کیفر عادلانه‌ی ما رهایی نخواهد داد.
خداوند راه رشد و کمال را به شما الهام بخشد و وسایل پیروزی را به مهر و
لطف خویش، برایتان فراهم آورد. ۱۵

فسألت السيد أحمد الحسن (عليه السلام) عن ذلك، فأجاب قائلاً:

از سید احمد الحسن (عليه السلام) در این خصوص سؤال نمودم و ایشان فرمود:

[ممكن أن يكون في هذا الزمان ما قاله في ذلك الزمان؛ لأنّ الكلام مقيد بزمن الظهور، فإن كان الظهور في ذاك الزمان حصل في ذاك الزمان، وإن تأخر الظهور تأخرت معه العلامات المرتبطة به. وأيضاً ليس ضرورياً أن تحصل، ففيها البداء (16). ولكن ما ينطبق في هذا الزمان يمكن الاستدلال به].

«می تواند آنچه در آن زمان بیان شده در این زمان اتفاق بیفتد؛ زیرا کلام مقید به زمان ظهور شده است. اگر ظهور در آن زمان اتفاق بیفتد، مربوط به آن زمان است و اگر ظهور به تاخیر بیفتد، علامت‌های مرتبط با آن نیز به تاخیر خواهد افتاد. به علاوه، به وقوع پیوستن آن نیز از ضروریات نمی‌باشد چرا که می‌تواند در آن بداء رخ دهد^{۱۷} اما آنچه در این زمان اتفاق می‌افتد را می‌توان به آن مستدل نمود.»

* * *

عمامته السحاب:

عمامه‌ی او «سحاب» است

16. عن داود بن أبي القاسم، قال: (كنا عند أبي جعفر محمد بن علي الرضا عليهما السلام فجرى ذكر السفيناني وما جاء في الرواية من أن أمره من المحتوم، فقلت لأبي جعفر (عليه السلام): هل يبدو لله في المحتوم؟ قال: نعم، قلنا له: فنخاف أن يبدو لله في القائم، قال: القائم من الميعاد) الغيبة للنعمانی: ص 314.

۱۷ از داوود بن ابی‌قاسم نقل شده که گفت: «نزد ابوجعفر محمد بن علی الرضا - (عليهما السلام) بودیم که ذکر سفینانی و آنچه که در روایت به ابوجعفر. به میان آمد، آمده مبنی بر این که امر وی محتوم است (عليه السلام): فرمود عرض کردم: آیا خدا در امر محتوم بداء دارد؟ آری. حضرت فرمود. به آن حضرت عرض کردیم: ما می‌ترسیم که خدا در امر قائم نیز بداء روا دارد **قائم جزو مواعید است** غیبت». نعمانی: ص 314

هذه رؤيا قصّها (عليه السلام) عليّ يوماً، فقال:

این رؤیایی است که یک روز سید (علیه السلام) آن را برایم تعریف نمود:

[قبل یومین رأیت رؤیا، نسأل الله أن تكون خيراً.

«دو روز پیش رؤیایی دیدم. از خدا مسئلت می‌کنیم که خیر باشد.

كنت أقف في مكان ودخل عليّ جماعة يريدون شيئاً ما،
أو ربما يبحثون عن الحق، لم أنتبه لهم من هم، ولكن
انتبهت إلى أنني كنت ألبس ملابس غامقة اللون أو سوداء،
وكان على رأسي عمامة لونها أبيض مختلط بلون الماء،
يعني كلون السحاب أو الغيوم، فانتبهت أنها كعمامة رسول
الله السحاب أو هي نفسها، وانتهت الرؤيا].

(دیدم) در جایی ایستاده‌ام و گروهی که خواسته‌ای داشتند یا شاید در جستجوی حق بودند بر من وارد شدند. من متوجه نشدم که اینها کیستند ولی به یاد دارم لباس‌هایی که به تن داشتم، به رنگ تیره و یا مشکی بود و بر سرم نیز عمامه‌ای بود که رنگ آن سفید مخلوط با رنگ آب یعنی مانند توده‌ی ابر بود. دریافتم که این همانند عمامه‌ی رسول خدا «سحاب» و یا دقیقاً همان عمامه بود. رؤیا پایان یافت».

الفهرس

فهرست

تقديم:

مقدمه

المحطة الأولى:

ایستگاه اول:

في رحاب الحسين (عليه السلام) وابنه المظل بالسحاب

در سایه‌ی لطف و رحمت حسین (علیه السلام) و پسرش که سحاب، سایه‌افکن او است

لماذا قتل الحسين (عليه السلام) ضماناً مذبوحاً !!

• چرا امام حسین (علیه السلام) تشنه و سر بریده، شهید شد؟

هل يُعاد ما جرى على الحسين (عليه السلام):

• آیا آنچه بر امام حسین (علیه السلام) جاری شد، دوباره تکرار می‌گردد؟

مسلم بن عقيل (عليه السلام) المقتول الوحيد المقهور:

• مسلم بن عقيل (عليه السلام) کشته شده‌ی غریب و شکست خورده

ظهور آية جلية في السماء:

• ظهور نشانه‌ای روشن در آسمان

عمامته السحاب:

• عمامه‌ی او «سحاب» است

المحطة الثانية:

ایستگاه دوم:

في العقيدة وما يلحق بها

در باب عقاید و آنچه به آن ملحق می‌شود

تقسيم الصفات الإلهية:

• تقسیم صفات الهی

أقسام التوحيد:

• اقسام توحید

الذات والكنه والحقيقة:

• ذات، کنه و حقیقت

اسم (الله) صفة لماذا ؟

• اسم «الله» صفت است، چرا؟

ما حقيقة الترابط الشرعي بين الأصول الخمسة !!

• واقعاً بین اصول پنج‌گانه چه رابطه‌ی شرعی برقرار است؟!

الغرض من إرسال الرسل ؟

• هدف از ارسال پیامبران؟

هل للمخلوق وجود قبل عالم الذر ؟

• آیا برای مخلوق، وجودی قبل از عالم ذر، موجود بوده است؟

كتابٌ متشابهٌ وأحكمت آياته !

• کتاب متشابهی که آیاتش محکم شده است!

حاكمية الله والانتخابات في الدستور الإلهي:

• حاکمیت خدا و انتخابات در منشور (فرمان) الهی

كفى بالكتاب حجيلاً وخصيماً !

• قرآن برای حجت آوردن و دشمنی کردن کافی است!

الطعن على كتاب الله من قبل المسيحيين !

• عیب‌جویی مسیحیان از کتاب خدا!

التشريع بالقرآن ومشكلة التأويل !

• تشریح به وسیله‌ی قرآن و معضلی به نام تأویل!

هل ينسجم القانون الوضعي مع فطرة الإنسان ؟

• آیا قوانین وضعی با فطرت انسان سازگار است؟

هل تنكر نظرية الانفجار الكوني الخالق ؟

• آیا تئوری انفجار کیهانی (انفجار بزرگ) وجود خالق را رد می‌کند؟

هل الأقانيم متمایزة ؟

• آیا اقانیم از هم متمایزند؟

إنجيل برنابا:

• انجيل برنابا

المحطة الثالثة:

ايسنتگاه سوم:

ما يتعلق بأدلة الدعوة المباركة

مسائل مربوط به ادلهى دعوت مبارك

النص وشهادة الله:

• نص و گواهى خدا

هل مجرد ادعاء الوصية دليل ؟

• آیا صرف ادعاى وصيت يك دليل به شمار مى رود؟

احتجاج الأنبياء بالوصية:

• احتجاج پیامبران به وصيت

هل مضمون الوصية معلوم سلفاً ؟

• آیا مضمون وصيت از قبل معلوم بوده است؟

الوصية والنص المباشر:

• وصيت و نص مستقيم

رواية تبرّ الله عمره:

• روايت خداوند عمرش را تباه گرداند

كتاب (الوصية المقدسة الكتاب العاصم من الضلال):

• کتاب «وصیت مقدس، نوشتارِ بازدارنده از گمراهی»

لیبشر المدافعون عن وصیة محمد (صلی الله علیه وآله وسلّم):

• بشارتی برای کسانی که از وصیت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلّم) دفاع می کنند

کیف أمنت أم موسى بموسى (علیه السلام) ؟

• مادر موسی چگونه به حضرت موسی (علیه السلام) ایمان آورد؟

لماذا نهى يعقوب (علیه السلام) ابنه عن قص رؤياه ؟

• چرا حضرت یعقوب (علیه السلام) پسر خود را از بازگویی رؤیایش نهی کرد؟

هل يُخیر الله لغير وليّه ؟

• آیا خدا در استخاره به کسی غیر از ولی اش اشاره می کند؟

هل عرض أحمد الحسن المعجزة على المراجع !

• آیا احمد الحسن از مراجع خواسته از او معجزه بطلبند؟!

حجّة المهدیین (علیهم السلام):

• حجت بودن مهدیین (علیهم السلام)

الخروج في رواية اليماني !

• خروج در روایت یمانی!

فإذا رأيتموه فبايعوه !

• هنگامی که او را دیدید با او بیعت کنید!

الإرسال من ايليا:

• ارسال از جانب ایلیا

المحطة الرابعة:

ما يتعلق بالمخالفين للدعوة الحقّة وعقائدهم

مسائل مربوط به مخالفین دعوت حق و عقاید آنها

عقائد مبتدعة لشيعة المراجع !!

- عقاید بدعت‌آمیز شیعیان مرجع‌گرا

أدعياء علم أعماهم الحسد !!

- حسد، مدعیان علم را کور ساخته است!

يزعم بعضهم أنه لا يعرف علم المنطق !

- برخی گمان می‌کنند که وی علم منطق نمی‌داند!

أسئلة طرحها عليهم للنقاش ولا من مجيب كالعادة !!

- سوالاتی که ایشان برای بحث و مناقشه مطرح کرده است ولی طبق معمول کسی پاسخگو نیست!

قتل أسلافهم أبي الحسين (عليه السلام) فهل انتهى الأمر ؟

- نیاکانشان پدرم امام حسین (علیه السلام) را کشتند، آیا قضیه خاتمه یافت؟

وكان ما وعد، فهل تنفعهم عقيدة تقليد غير المعصوم شيئاً !

- شد آنچه وعده داده شده بود، آیا عقیده‌ی تقلید از غیر معصوم سودی به حالشان داشت؟

دليلهم على النيابة العامة !

- دلیل آنها بر نیابت عامه!

يختلفون رؤى، فما هو غرضهم !!

- رؤیاهای دروغین می‌سازند، با چه هدفی؟!

محاولة بآئسة:

تلاشی ناامیدانه:

هذه بعض أفعالهم مع الحق وصاحبه !

• بعضی از آنچه با حق و با صاحب آن انجام دادند

وهذا قولهم عن الوصية المقدسة !

• این است سخن آنها درباره‌ی وصیت مقدس

المحطة الخامسة:

ایستگاه پنجم:

شيء من سيرته (عليه السلام) مع أنصاره والناس

اشاره به گوشه‌هایی از رفتار ایشان (علیه السلام) با مردم و انصارش

أنتم كفيتموني مؤنتهم !

• شما بار زحمت آنها را از دوش من برداشته‌اید

ليكن كل واحد منكم أمة !

• هر یک از شما باید یک امت باشد

من يظن أنه قطع حباله مع الدنيا:

• کسی که گمان می‌کند ریسمان‌اش (دلبستگی) به دنیا را قطع کرده است

نصيحته إلى كل من يتصدى للمناظرة من الأنصار:

• نصیحتی برای هر یک از انصار که به مناظره می‌پردازد

رثاؤه لأنصاره الشهداء:

• مرثیه‌خوانی ایشان بر انصار شهیدش

انصاره المغيبيون في السجون لا يغيبون عن باله !

• ایشان دمی از یاد انصارشان که در زندان‌ها پنهان گشته‌اند، غافل نیست

دور المرأة في نصرة الحق:

• نقش زنان در یاری حق

نتيجة الفرقة قتل حجة الله !!

• کشته شدن حجت خدا، پیامد تفرقه و چن‌دستگی

إلى من لا يتحمل من مؤمن ازعاج !

• خطاب به کسانی که آزاری اندک از مؤمنین را بر نمی‌تابند!

كيفية التعامل مع المشكوك بهم:

• نحوه‌ی تعامل با افراد مشکوک

لا يوفق لمجلس الحسين (عليه السلام) كل أحد !!

• هر کسی به حضور در مجلس امام حسین (علیه السلام) توفیق نمی‌یابد!

أهمية الدراسة في الحوزة المهدوية:

• اهمیت مطالعه و پژوهش در حوزه‌ی مهدویت

تأويل رؤيا:

• تعبیر خواب

رفقاً بسيدكم !!

• با سید خود مدارا کنید!

اهتمامه بهداية الناس ومحبته لهم:

• اهتمام ایشان نسبت به هدایت مردم و محبتی که ایشان به مردم دارد

سيرته مع المال:

• برخوردار ایشان با مال و اموال

ماتت وهي تبكي على الأولاد !

• آن زن در حالی که بر فرزندانش می گریست، جان داد

هل أحمد الحسن طالب دنيا!

• آیا احمد الحسن دنیا طلب است؟!

والحمد لله رب العالمين